



کانون مدافعان حقوق کارگر - http://kanoonmodafean1.blogspot.com/۲۰۱۲/۰۵/blog-post_۲۹.html

چه کسی باید به کارگران کارواش حقوق بدهد؟

مجید ملکی

کارگران ماشین شو تعطیلی ندارند. سرما و گرما ندارند، ساعت کار قانونی ندارند و از حداقل حمایت های قانونی هم بی بهره اند. آن ها از ساعت ۶ صبح تا ساعت ۱۲ شب کار می کنند. در گرمای تابستان و سرمای زمستان و همواره خیس از آب های کثیفی که تا زیر پوست هم نفوذ می کند. اما بیش از این که دلخوش به حقوق و دستمزد دریافتی از کارفرما باشند چشم به انعامی دارند که صاحبان اتوموبیل پس از تمیز شدن ماشین هاشان به آن ها می دهند.

کارگران کارواش ایستاده و یا در حال راه رفتن کار می کنند و از عواقب و عوارض دراز مدت کار ایستاده و رطوبت دائمی در امان نیستند. رماتیسم، دردهای عضلانی و بیماری های پوستی از شایع ترین مشکلات این کارگران به ویژه در میانسالی است.

حدود سنی این کارگران از ۱۴، ۱۵ سالگی شروع می شود و به ندرت بالای ۵۵ سال را هم در میان این زحمتکشان می توان دید. بیشتر کارگران کارواش در تهران از کارگران مهاجری هستند که از شهرهای دور و نزدیک و یا از کشور همسایه شرقی، افغانستان، آمده اند و در گاراژی کار می کنند که محلی هم برای شست و شوی اتوموبیل دارد برخی از این مراکز شست و شوی اتوموبیل در تهران و چند شهر بزرگ از تکنولوژی خودکار بهره می گیرند و با کمترین نیروی کار امور کارواش را انجام می دهند. در مقابل گروهی از زحمتکشان این رشته از کار هم بدون داشتن محل و با استفاده از آب جاری جوی های هنوز سر باز و سطلی پلاستیکی و لنگی و ... در کنار خیابان ها به شستشوی اتوموبیل ها اقدام می کنند. این گروه هم البته بدون دادن "حق حساب" به ماموران شهرداری امکان کار ندارند. کار این ماشین شویان با توجه به منبع آب مورد استفاده شان بسیار طاقت فرسا ترست. بیشتر زحمتکشان این رشته کارشان را دائمی نمی دانند و اصولاً این کار را تنها برای فرار از بیکاری و عواقب سخت آن پذیرفته اند و همواره به امید یافتن کاری که "کار" فرض شود این وضع را تحمل می کنند. گفت و گوی زیر با کارگران کارواش در شهرهای تهران، بوشهر، زابل، بندر ماهشهر صورت گرفته است.

حسن کارگر جوان کارواش در ماهشهر:

- این جا ساعات کار از ۸ صبح شروع می شه و تا ساعت ۸ شب ادامه داره. من روزی ۵ هزار تومان حقوق می گیرم.
- این که از حداقل دستمزد قانون کار کمتره!
- این جا کار کمه کار پیدا نمی شه. کارفرما هم می گه اگر نمی خواهید برید. ما هم چاره ای نداریم گاهی پولی هم به صورت انعام از مشتری ها می گیریم . اما این جا بیشتر کارها وابسته به پول مراکز نفتی و پتروشیمی هست . توی این روزها که اعتصاب است و پروژه های نفتی بیشترشون نیمه تعطیل هستند ما هم مشتری کمتری داریم.
- بیمه چطور؟ کارفرما شما را بیمه کرده و یا این که شما بیمه خویش فرما هستید؟
- بیمه که نه. همین قدر که کارفرما حقوق ما رو به موقع بده خدا را شکر می کنیم. بعدشم چطوری بیمه خویش فرما بشم دستمزد من فقط ۱۵۰ هزار تومان در ماه است.

صبور کارگر مهاجر، کارواش در تهران

- این جا چند نفر کار می کنند؟
- ۱۲ نفر.
- اهل کجا هستند؟
- همه جور داریم. سه نفر افغانی هستیم، یک نفر بلوچ، کرد هم داریم...
- چقدر دستمزد می گیرید؟
- دستمزد یعنی چه؟
- کارفرما چقدر به ازای کار به شما پول می دهد؟
- هیچی...
- یعنی چی؟ پس شما برای چی این جا کار می کنید؟ پس خرج زندگی رو چطوری در می آورید؟
- صاحب گاراژ به ما پول نمی ده عوضش جایی داده که ما شب ها همین جا می خوابیم و بابت اجاره هم از ما چیزی نمی گیره خدا عمرش بده. البته ماهم به جاش برایش نگهبانی می دهیم. هر چی هم که از مشتری ها انعام بگیریم می شه دستمزد ما..
- درآمد ماهیانه شما چقدر می شود؟
- مختلفه. توی سال فرق می کنه. آخر هفته ها و اول هفته ها بخور نمیره. نزدیک عید هم خیلی خوبه مردم عیدی می دن.
- خوب بالاخره ماهی چقدر می شه؟ کمترین و بیشترین اش؟
- من ماه گذشته ۳۵۰ هزار تومان پول گرفتم ۲۰۰ تومنش را فرستادم برای خانواده و ۱۵۰ هزار تومنش هم برای خرج خودم. بارون که بیاد مشتری های ما زیاد می شه.. البته دم عید بیشتر می شه. تابستونا هم حدود ۲۰۰ هزار تومان در می آرم.
- شما برای کارفرما کار می کنید اون باید به شما حقوق بده تا شما مجبور نشید سر تونو خم کنید تا پولی از مشتری بگیرید تا حالا به صاحب کار گفتید که حقوق می خواهید؟

- نه بابا همه ی کارواش ها همین طوره . کسی حقوق نمی ده اگه بگیم می اندازه بیرون. تازه گفته اگه اذیت کنیم ما رو به پلیس تحویل می ده.
- (کارگران مهاجر در ایران بی پناه تر از بقیه کارگران هستند).

کارگر سیستانی در کارواش زابل

- از چه ساعتی کار می کنید تا چه ساعتی؟
- از ساعت ۸ صبح تا غروب آفتاب.
- چقدر حقوق می گیرید؟
- روز ۵ هزار تومان، روزهای تعطیل این جا هم تعطیله و بعضی روزها هم صاحب گاراژ میگه نیاییم.
- این که پول کمی است. متاهلی یا مجرد؟
- من متاهلم و سه تا بچه دارم.
- با این پول چطوری چرخ زندگیت می چرخه؟
- حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان حقوق می گیرم. حدود ۲۰۰ هزار تومان هم یارانه. خدا رو شکر زندگی می گذره.
- یارانه که تازه حدود یک ساله هست. قبلا چه کار می کردی؟
- قبلا خونه ی پدرم زندگی می کردیم . یک اتاق به ما داده بود. کمتر خرج می کردیم. بعد هم گاهی برای کار به تهران و زاهدان می رفتم.
- بیمه هستی؟
- نه این جا هیچ کس بیمه نیست. خود صاحب گاراژ هم بیمه نیست.

کارگر کارواش خودکار در تهران

- چن وقته اینجا مشغولی؟
- چطور؟
- از کار و در آمدت راضی هستی؟
- کی راضیه که من راضی باشم!
- چقد در میاری؟ حقوق و انعام؟
- رو انعام که همیشه حساب کرد اما ۴۵۰ هزار تومان حقوق می گیرم .
- روزی چند تا ماشین می شوری؟
- نمی دونم. صد تا بیشتر یا کمتر این جا همیشه کلی ماشین تو صف کارواشن.
- بیمه هستی؟
- من خیلی وقت نیست که اومدم این جا، اما احتمالا بیمه هم بشم.
- چند ساعت در روز کار می کنی؟

- ۱۲ ساعت. گاهی کمی بیشتر گاهی کمی کمتر

کارگر ماشین شو در کنار خیابان در تهران

- خسته نباشی وضع کار و بار چگونه؟
- برای ما که فقط باره! بابا این که کار نیست فرار از گداییه...
- چه جوری کار می کنی؟ با چه قیمت ماشین می شوری؟
- بستگی داره. گاهی ۴ هزار تومن؛ گاهی ۲ هزار تومن. گاهی توشویی هم می کنم. هر کی بنا به همتش یک چیزی میده دیگه.
- خب پس با این حساب ماهی ۷۰۰، ۸۰۰ هزار تومن رو در میاری
- اگه قبل از این که من پیام کسی تو این راسته پارک نکنه، بارون هم مرتب بیاد و ماشین ها رو گلی کنه، مامور شهرداری هم تلکه مون نکنه، بیشتر هم در میارم، اما گاهی همه چی دست به دست هم می دن تا در ماه کمتر از ۳۰۰ تومن داشته باشم. گاهی هم آدم های با معرفت به تورم می خورن و ... بالاخره می گذره.
- از کی کار شستن ماشین شده محل درآمدت؟
- شش ، هفت سالی هست. از وقتی ناراحتی عصبی پیدا کردم و دیگه نتونستم مسافرکشی کنم. آخرین راهی که به فکرم رسید شستن ماشین بود. تو همین جا یه زمانی هفته ای یه بار ماشین خودم رو می شستم.

صادق، کارگر جوان کارواش در بوشهر

- چقدر حقوق می گیرید؟
- ۱۰۰ هزار تومان از صاحب کارواش می گیرم و هر چقدر هم انعام بگیرم مال خودم است.
- به طور متوسط چقدر در ماه می شود؟
- حدود ۲۵۰ هزار تومن.
- چند سال است که این کار رو داری؟ اهل کجا هستی؟
- ۳ ساله که این جا کار می کنم. اهل خرم آباد هستم. قبلا توی عسلویه کار می کردم. اون موقع ها خیلی خوب بود.
- پس چرا همون جا نموندی؟
- کار تعطیل شد. خیلی از کارگرا بیکار شدن. من هم مثل بقیه. اما باید کار می کردم و می دونستم اگه به شهر خودم برگردم کار گیرم نمی آید. من جوشکارم. ولی توی شهر ما برای من کار پیدا نمی شه.
- این جا بیمه هستی؟
- نه اما من خودم را بیمه کرده ام. شب ها توی بندر کار می کنم. تخلیه بار و پولشو می زارم برای بیمه.
- پس کی می خوابی؟
- کم می خوابم. چاره ای ندارم. پس فردا که از کار بیفتم، زن و بچه ام باید از گرسنگی بمیرن.

تازه الان چند وقتیه که کار تخلیه بار کم شده . چون می گن تحریمه و دلار نیست. توی بارانداز ، کشتی کمی بار خالی می کنه . نمی دونم آینده ما چی می شه....

